

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۲ فبروری ۲۰۲۳



یونس نگاه

دولت و فراتر از دولت

حوادثی که کل جامعه یا بخش بزرگی از آن را متأثر می‌سازد، مرزهای امکانات جامعه و محدودیت‌های آن را آشکار می‌کند. جامعه هنگام بحران‌ها و فاجعه‌های بزرگ، بیشتر از زمان‌های دیگر به نقاط قوت و کاستی خود آگاه می‌شود. زلزله فاجعه‌آمیز اخیر که دامن دو کشور ترکیه و سوریه را گرفت، اهمیت وجود دولت و نهادهای سیاسی-مدنی را برجسته ساخت. در ترکیه واکنش‌های محلی، ملی و بین‌المللی بسیار سریع‌تر و وسیع‌تر از سوریه انجام شد و چشمان رسانه‌ها و دولت‌ها نیز بیشتر از سوریه متوجه ترکیه بوده است، چرا که ترکیه در رادار جهان قرار داشت و صاحب دولت، نهادهای فعال و سیستم‌هایی برای تماس و اطلاع‌رسانی در درون جامعه آن کشور و سراسر جهان بود. سوریه با آن‌که ویرانی و تلفات بسیار متحمل شده است، اما کمتر از ترکیه به چشم آمد و مردم آن سرزمین دچار بحران، بی‌نهادی و بی‌دولتی خیلی بیشتر از آسیب‌دیدگان ترکیه، از عواقب این فاجعه رنج خواهند کشید. داشتن دولت و نهادهای فعال امتیاز بزرگی است. ملت‌هایی چون سوریه‌ها و افغان‌ها که پس از سال‌ها جنگ و پروژه‌های ویرانی، در سیاه‌چال بی‌دولتی و بی‌نهادی رها شده‌اند، بسیار بیشتر از ملل دیگر در چنگ حوادث آسیب می‌بینند.

در ترکیه، زلزله ظرفیت‌های نهادی و اجتماعی نسبتاً قدرتمند جامعه را آشکار کرد. دولت با امکانات نسبتاً وسیع وارد عرصه جست‌وجو و نجات شد، اما مهتر از آن احزاب، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و نهادهای مختلف مذهبی، فرهنگی و اجتماعی برای جمع‌آوری کمک و بسیج منابع دست به کار شدند. گفته می‌شود که کمک‌های گردآوری‌شده غذایی، پول و پوشاک بیشتر از ظرفیت سیستمی بود که باید توزیع آن‌ها را مدیریت می‌کرد. محدودیت ظرفیت سیستم، در اینجا دولت و نهادهای اختصاصی آن مسأله مهم است. این فاجعه طبیعی روشن کرد که حتی دولت‌های نسبتاً قوی که در جنگ مهارت بسیار دارند، تسلیحات و ابزار جنگی‌شان فراتر از مرزهای ملی بازار یافته و در منازعات سیاسی گوشه‌کنار جهان دخالت می‌کنند، سازمان‌ها و ادارات پرشاخه و بروکراسی پیچیده دارند و نیز در حوادثی از این دست بسیار

کوچک و ناتوان ظاهر می‌شوند. این کشورها ظرفیت رسیدگی به میلیون‌ها آسیب‌دیده را در محدوده زمانی لازم ندارند. در این مواقع دولت اگر با نگاه انحصاری معمول سیاسی و جغرافیائی به قضیه برخورد کند، به مانع بزرگ بدل می‌شود. حتماً قوی‌ترین دولتی که خزانه‌هایش پر از پول و ذخیره‌گاه‌هایش مالا مال از بم و ابزار جنگی باشد، قادر نیست به تنهایی و بدون همکاری نهادهای غیردولتی داخلی، احزاب، سازمان‌های اپوزیسیون و توده مردم کاری از پیش برد. هرچه در این مواقع دولت متعصب و انحصارگر باشد، بیشتر به مردم آسیب می‌زند و مانع بهره‌برداری از ظرفیت‌های نهفته در اجتماع می‌شود. در حوادثی از این دست، امکانات ملی نیز حتی اگر به بهترین وجه ممکن به‌کار افتد و دولت نیز مانع بسیج آن نشود، کافی نیست و نیاز جدی به همکاری بین‌المللی به‌میان می‌آید.

در این مواقع بیهودگی غرورهای کاذب ملی افشاء می‌شود و لاف‌هایی که سیاست‌مداران و مبلغان ناسیونالیسم افراطی سرمی‌دهند و تبلیغاتی که در مورد خودکفائی و توانائی‌های فوق‌العاده ساکنان یک سرزمین و نهادهای ملی آن کشور به گزاف انجام می‌گیرد، همه چون دود به هوا می‌روند و نیاز بشر به همبستگی و همکاری جهانی عریان می‌شود. با افزایش احتمال بحران‌های اقلیمی، شیوع امراض همه‌گیری چون کرونا، دشواری‌های تروریسم و افزایش دسترسی دولت‌ها به تسلیحات کشتار جمعی و دیگر تهدیدهای بالقوه جهانی که مرز ظرفیت‌ها و امکانات ملی را عبور می‌کنند، اندیشدن به داشته‌های فراتر از دولت (نهادهای اجتماعی، احزاب و اتحادیه‌هایی که همبستگی داخلی را تحقق بخشند و سازمان‌ها و نهادهایی که زمینه اقدام به‌موقع بین‌المللی را فراهم سازند)، برای بشر حیاتی است.